

یا رب العالمین

لغت نامه ایران

(دائرة المعارف ادبی)

کردم همه
مشکلات
عالم را حل

ز جرم کل سیاه
تا اوج زل

هر بند کشته شد
مگر بند ابل
رابعی حل نمی خورم

بیرون جسم ز قید
هر مکر و حیل

لغت نامه ایران

(دائرة المعارف ادبی)

مرجع لغات و اصطلاحات ادبی و فرهنگی فارسی به فارسی

بنیادی لغات و اصطلاحات

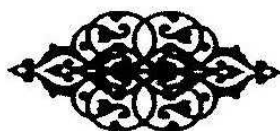
فارسی

کتاب

میلاد منصوری

ش ۱۳۹۴ هـ

جلد اول





سرشناسه	: منصورى، ميلاد، ۱۳۶۸ -
عنوان و نام پديدآور	: لغت نامه ي ايران (دايره المعارف ادبي) : مرجع لغات و اصطلاحات فارسى / كاتب ميلاد منصورى
مشخصات نشر	: تهران: ميلاد منصورى، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهري	: ۲ ج. مصور، جدول، نمودار.
شابک	: دوره: ۵ - ۳۲۳۵ - ۰۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸ ج ۱: ۱ - ۳۲۳۳ - ۰۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸ ج ۲: ۸ - ۳۲۳۴ - ۰۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸
وضعيت فهرست نويسى	: فيبيا
موضوع	: فارسى - واژه‌نامه‌ها
موضوع	: نام‌هاى اشخاص - واژه‌نامه‌ها
رده بندى كنگره	: ۷۱۳۹۴ ل ۸ م / PIR ۲۹۵۴
رده بندى ديويى	: ۴۳۴
شماره كتابشناسى ملي	: ۲۸۸۹۱۰۱

نام کتاب: لغت‌نامه ایران (دائرة المعارف ادبی)

جلد ۱

پديدآورنده: ميلاد منصورى

تاريخ اتمام: زمستان ۱۳۹۳

ناشر مؤلف

تاريخ نشر: چاپ اول ۱۳۹۴

تيراژ: ۱۰۰۰ نسخه

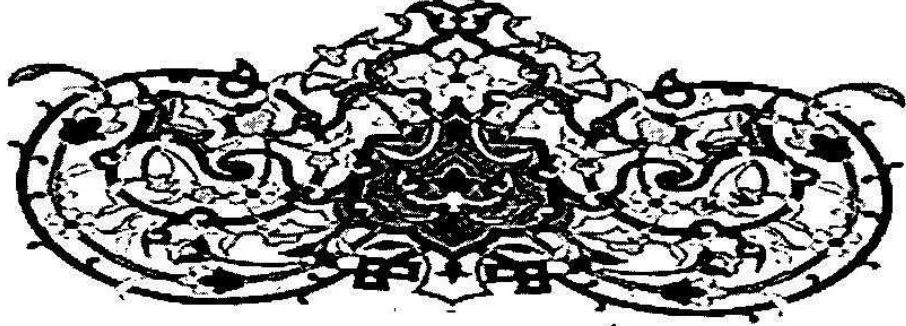
ت. صفحات: ۸۰۰

چاپخانه: حيدرى

قيمت ج. ۱: ۳۵۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۵ - ۳۲۳۵ - ۰۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸

شابک: ۱ - ۳۲۳۳ - ۰۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸



کجایید ای شهیدان خدایی

بلا جبین دشت کربلایی

پنده تر ز مرغان بویایی

بدانده تکلک را در کشایی

کسی مر عقل را کجید کجایی

بدوده وام دارین را در بلی

کجایید ای نوای بی نویایی

نمانی پیش و پس آشنایی

کجایید ای کز اکر ایل معنایی

بهل نقش و نگار در کز نایایی

کر اصل اصل مر ضیایی

کجایید ای شهیدان خدایی

کجایید ای بگ روحان عاشق

کجایید ای شان آشنایی

کجایید ای احسن و جبار دیده

کجایید ای در کدبان

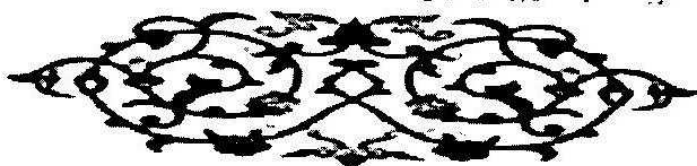
کجایید ای در غزن کشاد

و آن بحرید کاین عالم کف او است

کف دیاست صورت بلی عالم

و لم کف کرد کاین نقش سخن شد

بر آای شمس تیریزی ز شرق



مقدمه

❖ شروع نامه کلامی است اولاً در حدیث نبوی، کلّ امر ذی بالٍ لم یبدأ فیه بسم الله فهو ابتر^(۱)، پس بداینگونه است که گوئیم به نام خداوند مهر و رحیم کز او بود لسان منقبت^(۲) در زمین، پس برای دوری از منقبت‌اش در ذکر تهلیل^(۳) باشیم و پس:

خلاصهٔ مجموع کتاب :

- ۱- متشکل از بیشترین لغات و اصطلاحات (ادبی و کلامی) ساختاری زبان فارسی با اعراب تشریحی و تحلیل مضامین، مکتوب شده است.
- ۲- شرح حیات پیشی از مشاهیر علم و ادب ایران با شرح ملزومه و تصاویر مربوطه، مندرج شده است.
- ۳- موجودیت بسیاری از مجموع حیوانات و جانوران (ستوران و پرندگان) زیستگاه با نامهای ایرانی و با درج تصویر، مکتوب گردیده است.
- ۴- در قسمت آخر کتاب شیراز لغوی (لغات تک‌هجائی تا چهارهجائی فارسی) و اصطلاحات لسان الفرس مسطور^(۴) است.

❖ در آثار فرهنگی و لغت‌نامه‌های برخی استادان عالی‌قدر گذشته از لغات اصیل تنها تا حروف سین معجمه^(۵) آن هم به‌طور مختصر، را بجای گذاشته‌اند و یا کمتر از این حروف؛ و اندک کتب نسبتاً کاملی هم که در دوران تاریخی تا قبل از معاصر وجود داشته دارای کلمات بسیار فراوان ایرانی و غیر فارسی می‌باشد که به عنوان فارسی در آنها گنجانیده شده است.

❖ اثر منظوم حاضر مرجع ادبی و لغوی فارسی سره (فارسی دری) با استفاده از تمامی گویش‌های ایرانی برای آیندگان است که در زمینهٔ لغات و اصطلاحات زبان و ادبیات ایران پدید آمده است.

(۱) کلّ امر ذی بالٍ لم یبدأ فیه بسم الله فهو ابتر : هرکاری که با نام خدا آغاز نشود ناقص است.

(۲) منقبت : آنچه بدان نازند- لسان منقبت : مفهوم این کلمه در کل جمله اشارت است به خداوند رحمان که زبان و قدرت

بیان را از سوی مهر و رحمت‌اش به انسان عطا فروده و انسان بدون شکر تنها به این قدرت که زبان باشد می‌نازد.

(۳) تهلیل : لا اله الا الله گفتن . (۴) مسطور : نوشته شده . (۵) سین معجمه : سین نقطه‌دار، شین .

فهرست مندرجات

۱۸	گفتار اول
۱۹	آ
۱۰۲	گفتار دوم
۱۰۳	ا
۲۴۴	گفتار سوم
۲۴۶	ب
۳۸۶	گفتار چهارم
۳۸۷	پ
۴۷۶	گفتار پنجم
۴۷۷	ت
۵۳۰	ث
۵۳۲	گفتار ششم
۵۳۳	ج
۵۵۶	گفتار هفتم
۵۵۷	چ
۵۹۸	گفتار هشتم
۵۹۹	خ
۶۵۸	گفتار نهم
۶۵۹	د
۷۲۸	گفتار دهم
۷۲۹	ذ
۷۳۰	گفتار یازدهم
۷۳۱	ر
۷۶۶	گفتار دوازدهم
۷۶۷	ز



چرا این کتاب تألیف شد؟
به این سوال می‌توان پاسخی کامل داد:

• توضیح و شرح بعضی موارد لازم دانسته شده:

در این کتاب گامی فراتر نهاده شده، به آن سوی زمان، گذشته و آینده و همچنین زمان خویشتن که نیاز زندگی ایام هست؛ ادب امروز و دیروز ایران و جهان در کلمات و واژگان، قسمت دیگری از این کتاب است، تبادل و تعامل افکار بین ملت‌ها و تمدن‌های دنیا با تکیه بر مشترکات انسان‌ها و طرد مفترقات آنان نظر تازه و جدیدی است که فتاح شده است.

امروز ایستایی در هیچ زمینه‌ای مقبول و موجه نیست، مخصوصاً در مبحث کتاب و مطالعه کتاب، و با این نظر است که می‌توان مدعی داشتن مخاطبانی پرشور و سرزنده در تمام ادوار حال و آجل شد.

آخرین نکته در قسمت مشهود این است که کتاب حاضر می‌کوشد نظر و نگرش‌های ذیل را ایجاد کند و اگر در آن توفیق یابد، پاداش خود را گرفته است:

■ شناخت پدیده‌ای به نام زبان به عنوان زمینه‌ای برای شناخت خویش با تکیه بر این باور که

خودشناسی، خداشناسی است؛

■ شناخت زبان فارسی به عنوان دومین لسان عالم اسلام و حاوی بزرگترین ارزشهای انسانی؛

■ تکمیل آشنایی با بزرگان تاریخ و ادبیات ایران و جهان در جهت تلطیف احساسات و عواطف و

التذاذ ادبی؛

■ آشنایی با ارزشهای مثبت دینی، فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی ایران و جهان؛

■ ایجاد نگرش مثبت به سرمایه های فکری بشر دوستانه ادب فارسی و ایجاد انگیزه برای حفظ این میراث عظیم و انتقال آن به نسل های آینده .

زبان چیست ؟

زبان قاعده مندترین علم در حوزه ی علوم انسانی است - با نظر به این که نظم دقیق آن را تنها با علم ریاضی می توان سنجید . قاعده مندی و نظم زبان آن چنان است که هیچ تخلفی از اصول آن جایز محسوب نمی گردد .

دستگاه زبان، طریقه ی کارکرد و ابزار اولیه ی آن، یعنی تکواژها را می توان با یک دستگاه مخابره ی پیام و مجموعه ی نشانه های رمز (کد) آن مقایسه کرد .

در دستگاه مخابره ی پیام نیز اطلاعات قابل انتقال به واحدهای کوچکی تجزیه و مخابره می شود . شباهت دیگر این دو دستگاه آن است که در هر دو، پیام از نقطه شروع و به نقطه ای ختم می شود و بین این دو نقطه، نشانه ها به ترتیب توال زمان مخابره می گردد ؛ یعنی پیام دهنده ناگزیر است از یک جریان خطی تبعیت نماید . پیام گیرنده نیز ناگزیر پیام را به همان صورتی که مخابره می شود ؛ یعنی با همان توالی زمانی دریافت می کند . پیشینیان ما ، آگاهانه ، به این جریان خطی زبان ، رشته ی کلام ، زنجیره ی سخن یا رشته ی سخن می گفتند ؛ این رشته اجازه می دهد تا تکواژها پس از گزینش و عبور از صافی ذهن گوینده در کنار هم بنشینند و جمله بسازند . این گزینش و اجازه عبور، بسیار منظم و دقیق است به طوری که هر عنصر زبانی در هر جایگاهی اجازه ی عبور نمی یابد، در حالی که مثلاً در ریاضی، با وجود نظم ظاهراً گسسته ناپذیر آن، چنین قانونی اجرا نمی شود .

اگر مقرر می بود که در جریان ارتباط میان انسان ها تجربه های آنان به وسیله ی عبارت ها و جمله ها مجزاً به یکدیگر انتقال داده می شد، هر فرد انسانی می بایست میلیون ها جمله ی منفرد و متفاوت در ذهن می داشت تا می توانست در مواقع لزوم برای انتقال تجربه هایش به کار گیرد ، اما چنین کاری به دلیل محدودیت حجم مغز بشر و گستردگی تجربه هایش ممکن نیست ، و چون آگاهی انسان محدود نیست ، پس انسان، کار انتقال اطلاعات تجربی خویش را براساس دستگاهی پیچیده تر و پیشرفته تر انجام می دهد که کارایی



بیشتری داشته باشد. آن دستگاه « زبان » نام دارد.

بر اساس این روند، تجربه‌ی انسان ابتدا به واحدهایی به نام جمله، تجزیه می‌شود که تعدّد و تنوع آنها نامحدود است. جمله‌ها نیز به واحدهای کوچکتری به نام گروه تجزیه می‌شوند، گروه به واژه و واژه به «تکواژ» بخش پذیر است یا به معنی دیگری که کلمه باشد، که تعداد آنها در زبان بشر بسیار زیاد است، تکواژها نیز - که همه صورت صوتی و هم محتوایی معنایی دارند - به واحدهایی مجزا و متوالی به نام «واج» تقسیم می‌شوند که تعداد آنها در زبان‌های گوناگون بشری بین بیست تا چهل تا است و به خالص سپردن آنها بسیار ساده می‌باشد.

واج‌ها تنها، صورت صوتی دارند و به هیچ معنایی دلالت نمی‌کنند، اما اجتماع آنها بر اساس نظام زبان‌های مختلف، انبوه تکواژها را پدید می‌آورد. این روند را تجزیه دوگانه‌ی زبان می‌نامند.

روش تجزیه و تفکیک عناصر و نمونه برداری از انواع گوناگون عناصر و دسته‌بندی اطلاعات ناشی از تجزیه و تقسیم آنها کاهمه‌ی شاخه‌های علوم تجربی است که به قصد شناخت انجام می‌شود. هدف از این کار، اشراف و آگاهی انسان نسبت به دنیای پیرامون خویش است.

❖ بیان حروف مفردة تهجی به توضیح ذیل است :

باید دانست که چنان که در کلام عربی حروف تهجی موضوع برای غرض ترکیب کلمات است و بعضی از آن حروف معانی نیز دارد، چون همزه استفهام و بای جاره و تایی جاره و مانند آن، همچنین در فارسی نیز این حروف موضوع از برای ترکیب کلمات است و بعضی از آن معانی نیز دارد، بنابراین این بیست و هشت حرف یا چهار حرف دیگر که مخصوص فارسی است آورده شده، و هرچند که هشت حرف از آن جمله در فارسی نیامده اما در ایراد آن حروف نیز فواید است.

الف - این حرف چون در اول کلمه ثنائی واقع شود همیشه مفتوح باشد و مابعدش بر حرکت خود، چون ابر و ابا و ابی بمعنی بر و با و بی و چون در اول ثلاثی و رباعی و خماسی و غیر هم واقع شود، مابعدش ساکن کنند و همان حرکت که مابعدش در اصل داشته باو دهنده، و این حرف در این صورت حکم الف وصل دارد در کلام عرب، چون اشکم و استم و اشتر و اسمندر و اشگرف، و اینکه حرکتش همان حرکت مابعد باشد به تتبع ناقص مؤلف کلی می‌نماید، و اگر کلی نباشد اکثری خواهد بود، و هرگاه حرف با برو درآید به یا بدل می‌گردد، چون بیفگن و بینداز



که در اصل بافگن و بانداز بود، و همچنین چون کلمه دیگر بر و در آید، چون آسیاب که در اصل آس آب بود، و اگر در وسط واقع شود برای دعا باشد چون بمیرادو دهاد و کناد، و زاید نیز آید چون سیه سار یعنی سیه سر و آمرزگار یعنی آمرزگر و آموزگار یعنی آموزگر، و بعضی گفته اند سر و سار و گرگار هر دو لغت است علیحده، و اگر در آخر واقع شود برای ندا باشد چون دلا و جانا، و برای کثرت باشد چون خوشا و بسا یعنی بسیار خوش و بسیار بسیار، و برای افاده معنی اسم فاعل باشد چون کوشا و نبوشا یعنی کوشنده و نبوشنده، و گاهی محض برای تحسین لفظ می آید چنانکه خاقانی شروانی گوید :

بیت

بداسلطایا کورا بود رنج دل آشوبی خوشا درویشیا کورا بود عیش تن آسانی

و این کلام قدما شایع بوده و در کلام متاخرین نادرست، و گاهی افاده یای مصدری کند، چون فراخا و ژرفا و درازا و پهنا، و چون در میان دو کلمه واقع شود برای اتصال معنی کلمه اول بکلمه دوم باشد، چون دوشادوش و لبالب و مالمال، و نباید دانست که در اول بعضی کلمات فرس الف ممدوه نیز آمده چنانکه مقصوره، بلکه بعضی گفته اند هر الف مقصوره را ممدوه خواندن نیز درست است، چون آشام و شام بمعنی آشامنده و طعام و قوت، و آسام و سام بمعنی آماس، و آگنج و گنج بمعنی گنجانده، و آزد و زرد، آرنگ و رنگ، و آکوفت و کوفت، و آهنگ و هنگ، و آرخ و رخ و آدرخش و درخش، و بقول جمهور درین قسم الفاظ، هر لفظی که الف ممدوه دارد لغتی است در لفظی که الف ندارد، و بقول سامانی هر لفظی که الف ندارد مخفف لفظی است که الف دارد و لغتی علیحده نیست و این قول به صحت اقرب است .

ب - برای الصاق و معیت و بیبیت و ظرفیت و قسم و گاهی زایده نیز می باشد برای تحسین لفظ چون بخور و بز و بکن، و نیز زاید می شود در جایی که بعد از کلمه متصل بیا، لفظ دریا بر باشد مثال اول سعدی گوید :

به دریا در منافع بیشمار است

پ - این حرف در لغت عرب نیامده لیکن در غیر فرس نیز آمده، و از خواص اوست که به فاف بدل شود چون سفید و سبید، و عرب چون این قسم کلمه را در کلام خود استعمال نماید او را بقا بدل کنند چون فیل و پیل، و گاهی بیای تازی چون پزده و بزده که نام شهری است و بزودی منسوب بدان.



ت - این حرف برای خطاب واحد آمده، و چون در ابتدا واقع شود مضموم بود پس اگر به کلمه دیگر نپیوندد واو معدوله در آخرش زیاده کنند برای حرکت ضم و اتمام لفظ، چون تو، و اگر پیوسته باشد واو زیاده نکنند چون ترا، و چون در آخر باشد ساکن بوده چون کت و بایت و باشند، و بر این تقدیر اکثر افاده معنی مفعول دهد، و گاهی مضاف الیه بود چون اینت و انت یعنی این تو و آن تو، و گاهی بمعنی خود آید نظامی گوید :

مصراع

گفت با من فروش باغ ترا

مصراع

وله :

جسم ترا پاکتر از جان کنی

لیکن اکثر بمعنی خود وقتی آید که متصل بمقابل باشد، چون باغت را و جسمت را، و شاید در این دو بیت چنین باشد والله اعلم، و از خواص اوست که بدال بدل شود چون بت و بد و توت و تود، و از خواص اوست که در آخر کلمات زاید کنند چون کوس و کوست و فرامش و فرامشت و رامش و رامشت و بالش و بالشت .

ث - این در پارسی نیامده اما اغریث برادر افراسیاب نورانی است و طهمورث در اصل فرس تهمورس است یا تهمورت به تاء و طهمورث معرب است، و در قاموس آورده، کیومرث بکاف فارسی و تائی قرشت است و معنی زنده گویا چه گیو بکاف فارسی بمعنی گویا و مرت بتای فوقانی زنده، و بعضی گفته اند که در لغت فرس حرف ثا نیامده الا در دو کلمه ارتنگ و ثغ بمعنی بت، لیکن هر دو جا تصحیف خوانده اند چه ارتنگ بتای قرشت است و ثغ فغ است به فاء؛ ولیکن صحیح این است که در فارسی قبل از اوستا واج ثاء وجود نداشته ولی بعد از اوستا فارسی دارای حرف ثاء شد، در اوستا حرفی وجود داشته که به تلفظ میان تاء و زاء و سین خوانده می شده و آن حرف را بخط پهلوی می نگاشتند ولی پس از اسلام به دلیل آنکه خط ایران از پهلوی به اسلامی فارسی شده تبدیل شد حرف مذکور را با ث نوشتند اما برخی کلمات که با لفظ مذکور بود به اشتباه به سین مبدل گشت مثل پوثر که پسر نوشته شد ولیکن در گیلان و مازندران هنوز پوثر یا پوسر خوانده می شود .

ج - از جمله خواص اوست که بزای فارسی و زای تازی بدل شود چون کج و کژ و چوجه و چوزه و باز و باج و هجده و هژده و لژن و لیجن و بژول و بنژه و پنجه و کژک و کجک و بژدک و بجدک، و بشین بدل شود چون کاج و کاش و امثال اینها .



ج - این حرف در لغت عرب نیامده، لیکن در لغت غیر فرس نیز آمده .

ح - این حرف در فرس نیامده؛ و کلماتی معرب هم وجود دارند همانند حیز و حال که در اصل هیز و هال بوده .

خ - از حرف دیگر حروف فارسی است .

د - این حرف در آخر کلمه افاده معنی حال کند، چون زند و گذرد و رود . و از خواص اوست که بتا بدل شود، چنانکه تا از او بدل شود چون خاد و خات و شواد و شوات و زرد و زرت .

ذ - ذال با صدای دال و تاء خاصه فرس از (پهلوی) دین دبیره است مثل آذرخش و آذر و گذرگاه؛ و ذال با صدای زاء مشبه دال، عربی است مثل لذت و ذات و همچنین لغاتی فارسی مثل زرت که ذره معرب آن است .

ر ز ژ س ش - از حروف فرس است و بغیر از زای فارسی مابقی در عربی وجود دارد .

ص ض ط ظ ع - این پنج حرف در لغت فرس نیامده، بلکه ص ض خاصه لغت عرب است چنانکه صاحب قاموس گفته، اما صد و شصت در قدیم بسین می نوشتند و متاخرین به واسطه رفع اشتباه به کلمه دیگر به صاد نویسند، اما طراز و طپیدن و طپانچه و طلا و امثال آن همه بتای قرشت است که متاخرین بواسطه رفع اشتباه بیا و یا و نون بطا نویسند و همچنین اگر عین در کلمه فارسی یافته شود در اصل الف بوده که به تغییر لهجه عین خوانده‌اند .

غ ف - از حروف فرس است و در عرب هم موجود است .

ق - این حرف در فرس نیامده و اگر یافته شود در اصل یا غین بوده یا کاف چون قالنجه و قلندر و امثال آن، اما قند معرب کند است، که در کتاب حاضر صحیح کلمات آمده و با توضیح مکتوب ذکر معرب بودنش هست .

ک گ ل م ن و ه ی - مابقی حروف فرس است که از میان آنها واج گ خاصه فرس است و در لغت عرب موجود نیست. در دائرةالمعارف حاضر تمامی لغات و اصطلاحات فارسی سره و (فارسی دری) یا حروف خاصه فرس چنانکه گفته شد وجود دارد و خالی از لغات و اصطلاحات غیر فرس است.



مآخذ

تعداد کتب و رسایی که در تدوین مواد دائرةالمعارف حاضر مورد استفاده قرار گرفته اند، از پانصد متجاوز است و ذکر همه آنها با مشخصات اوراق بسیاری را اشغال خواهد کرد. در اینجا فقط لغت‌نامه‌ها و بعضی کتب که در طی دائرةالمعارف حاضر مکرر ذکر آنها آمده - با نشانه مشخص و اختصاری - نقل می‌شود:

- ۱- اطلاعات عمومی (کاملترین دائرةالمعارف اجتماعی) - تألیف آقایان استاد بهروز فاضلی و صادق تبریزیان و مهدی شکیب آزاد.
- ۲- برهان قاطع - ابن خلف تبریزی محمدحسین متخلص به برهان، براساس نسخه مورخه هزار و شصت و سه هجری قمری محفوظ در کتابخانه ملی ایران، ناشر موسسه مطبوعاتی فریدون علمی.
- ۳- بهارستان جامی - عبدالرحمن جامی خراسانی (۸۱۷ الی ۱۸ محرم الحرام ۸۹۸ هـ.ق)، بکوشش ی. ادیب بسال ۱۳۶۹ هـ.ش انتشارات صابر.
- ۴- بهارعجم - فرهنگ فارسی بهارعجم لاله تیک چند بهار. مطبع نولکشور. لکهنو. ۱۸۹۴ میلادی.
- ۵- تاریخ حقوق ایران - تألیف پروفیسور سیدحسن امین، تهران: دائرةالمعارف ایران شناسی، چاپخانه حیدری، چاپ دوم ۱۳۸۶ هـ.ش.
- ۶- چهار مقاله - عروضی سمرقندی (۵۵۰ هـ.ق)، طبق نسخه‌ای به اهتمام محمد قزوینی بسال ۱۳۲۷ هجری قمری در قاهره چاپ شده، کتاب دسترس چاپ ۱۳۴۵ هجری شمسی تهران.
- ۷- دیوان حافظ - دیوان خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی، تصحیح سید علی محمد رفیعی، چاپ بسال ۱۳۷۲ هـ.ش.
- ۸- رباعیات خیام - رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری، بکوشش محسن رضانی در اولین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران.
- ۹- سبک شناسی - یا تاریخ تطور نثر فارسی نوشته محمد تقی بهار ((ملک الشعراء))، چاپخانه سپهر، تهران.
- ۱۰- سفرنامه ناصر خسرو - حکیم ابومعین حمیدالدین ناصر ابن خسرو قبادیانی مروزی (۳۹۴ - ۴۸۱ هـ.ق)، به کوشش نادر وزین پور، تهران ۱۳۷۲ هـ.ش، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ۱۱- سیاست نامه - تألیف خواجه نظام الملک، چاپ موسسه انتشارات فراهانی در بهار ۱۳۴۶ هـ.ش، چاپخانه شرق.
- ۱۲- شاهنامه فردوسی - شاهنامه فردوسی طوسی اثر منصور ابولقاسم فردوسی توسی، چاپ چهارم ۱۳۶۸ و چاپ اول ۱۳۱۸ هـ.ش توسط چاپخانه سعیدنو.
- ۱۳- صد و یک گام در ره «عدالت و دادگری» - تألیف میلاد منصوری (مؤلف کتاب حاضر)، انتشارات آوای عشق، تهران بسال ۱۳۹۰ هجری شمسی.
- ۱۴- فارس نامه - تألیف ابن بلخی. بکوشش وحید دامغانی در موسسه انتشارات فراهانی.
- ۱۵- فارسی شوشتری - پژوهنده و نویسنده عبدالله وزیری، چاپ اول خردادماه ۱۳۶۴ هـ.ش، چاپ آفتاب، مرکز پخش اهواز - کتابفروشی باختر.

- ۱۶- فرهنگ امیرکبیر - تألیف محمدعلی خلیلی و علی اصغر شمسیم ، چاپخانه فردوسی و چاپخانه پیروز.
- ۱۷- فرهنگ اورنگ - گردآورنده سرگرد اورنگ ، بهزینه افلاتون شاهرخ، چاپ رابتی .
- ۱۸- فرهنگنامه ایران با نگاره هایی از شاخاب پارس (خلیج فارس) - تألیف میلاد منصوری (مؤلف کتاب حاضر)، انتشارات بهزاد، چاپخانه حیدری ، تهران چاپ اول ۱۳۸۹ هجری شمسی .
- ۱۹- فرهنگ رشیدی - فرهنگ فارسی رشیدی لبعبدالرشید بن عبدالغفورالحسینی المدنی التتوی، بکوشش محمد عباسی، شرکت سهامی چاپ رنگین.
- ۲۰- فرهنگ عامیانه گلباف - مؤلف محمد جواد اسدی گوکی ، انتشارات مرکز کرمان شناسی، سال ۱۳۷۹ هـ.ش .
- ۲۱- فرهنگ عمید - فرهنگ فارسی عمید تألیف حسن عمید ، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران سال ۱۳۶۹ هـ.ش.
- ۲۲- فرهنگ غیاث اللغات - تألیف غیاث الدین محمد بن جلال الدین بن شرف الدین رامپوری بسال ۱۳۴۲ هـ.ق ، بکوشش محمد دبیر سیاقی ، تهران چاپ گیلان.
- ۲۳- فرهنگ معین - فرهنگ فارسی معین تألیف استاد محمد معین ، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ، ۱۳۶۰ هـ.ش.
- ۲۴- فرهنگ واژه های فارسی در گفتار اردو - نویسنده دکتر شاهد چوهدری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول ۱۳۷۵ .
- ۲۵- کلیات شمس تبریزی - از آثار مولانا جلال الدین محمد مولوی رومی، بانضمام شرح حال مولوی، بقلم بدیع الزمان فروزانفر، جازخانه سپهر، تهران، چار نیم اردیبهشت ۱۳۶۲ هـ.ش .
- ۲۶- گلستان سعدی - شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی، از روی نسخه تصحیح محمد علی فروغی ، چاپ برادران علمی، ناشر کانون انتشارات علمی، چاپ پنجم خرداد ۱۳۶۸ هـ.ش .
- ۲۷- مثنوی معنوی - مولانا جلال الدین محمد بلخی رومی، بکوشش محسن رضائی و بخط میرزا عبدالکریم ابن میرملکی ولد میرزا ابراهیم بن عمادالحسینی غفرالله ذنوبهم، تاریخ چاپ ۱۳۶۱ هـ.ش .
- ۲۸- مشترک یا قوت حموی - برگزیده مشترک یا قوت حموی ، ترجمه محمدزورین گنابادی، ناشر موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲ هـ.ش .
- ۲۹- نامه خسروان نخستین نامه - جلال الدین میرزا، چاپ شده از نسخه قدیمی توسط سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی .
- ۳۰- نامه فرهنگستان - فصل نامه ی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، به مدیر مسئولیت دکتر غلامعلی حداد عادل و سردبیری احمد سمیعی گیلانی، بهار ۱۳۷۴ هجری شمسی .
- ۳۱- نسک پورداوود - تألیف میلاد منصوری (مؤلف کتاب حاضر)، انتشارات بهزاد ، بسال ۱۳۹۰ هجری شمسی .
- ۳۲- و با استفاده از وصفهایی که از فرهنگهایی در فرهنگنامه های دیگر شده موظف هستیم که مکتوب شود و از این قراست: قسمتهایی بوده است از شرح تذکره خواجه نصرالدین طوسی، فرهنگ ابراهیم شاهی، قاموس، شرح نصاب، شرح چغمینی فارسی، شرح خاقانی شروانی، سروری، لطائف، مصطلحات، فرهنگ جهانگیری، چراغ هدایت، شرح گل کشتی، چهارشریت، کشف الاسرار، کشف اللغات، شرح قران السعدین، تاریخ طبری، مجمع الصنائع، سکندرنامه و غیره.

